



## مکان‌گزینی آسیب‌دیدگان ناشی از زلزله در بافت‌های تاریخی با تأکید بر مرحله‌ی اسکان موقت؛ (چرایی و ضرورت‌ها)

احمد دانایی‌نیا<sup>۱</sup> و محمدعلی زاغیان<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول) Danaeinia@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان، کاشان، ایران Mohammadalizaghiyan@gmail.com

### چکیده

**زمینه و هدف:** با عنایت به آسیب‌پذیری بالای بافت‌های تاریخی در برابر زلزله و بررسی ابعاد بحران، با توجه به ویژگی‌های خاص آن‌ها و نیز بررسی تجارب زلزله‌های پیشین، اسکان موقت بازماندگان از جمله مباحث مهم در فرآیند تأمین سرپناه پس از سانحه است که حل منطقی آن می‌تواند از بروز و یا گسترش بحران‌های ثانویه ممانعت کند. تجارب گویای آن است که بازماندگان به ویژه در بافت‌های تاریخی که قرابت‌های اجتماعی در آنها عمیق‌تر است، تمایل بیشتری به ماندن در محدوده‌ی مکانی از خود نشان می‌دهند. چنانچه شرایطی برای تحقق این مهم فراهم شود، می‌توان انتظار داشت که بازگشت به شرایط عادی در مدت زمان کوتاه‌تری محقق خواهد شد. با عنایت به این مهم، سوال آن است که ضرورت اسکان موقت سانحه‌دیدگان زلزله در بافت‌های تاریخی چه بوده و بهترین راه حل برای رفع این نیاز، در زمان وقوع بحران و پس از آن چیست؟

**روش:** این پژوهش بر اساس رویکرد کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل انجام شده است. ابتدا با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، پیشینه‌ی موضوع با تکیه بر کتب، مقاله‌ها، گزارش‌ها، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی مرتبط، شیوه‌های مختلف اسکان موقت پس از زلزله مورد واکاوی قرار گرفته و سپس به مؤلفه‌ی حس تعلق به مکان در ساکنان بافت‌های تاریخی و اهمیت قرابت‌های اجتماعی در این محیط‌ها، پرداخته شده است. در ادامه طبق مدل سوات، ۵ داده‌ها، ارزیابی و استنتاجات نهایی ارائه شده است.

**یافته‌ها:** مبتنی بر استنتاجات حاصله از ارزیابی درونی و بیرونی مدل پیشنهادی، یافته‌ها حاکی از آن است که با توجه به حس تعلق ساکنان و پایداری اجتماعی موجود در بافت‌های تاریخی، بازماندگان - علیرغم وجود برخی کاستی‌ها -، تمایل بیشتری به اسکان در مکانی همجوار با محل زیست خود دارند تا ضمن حراست از داشته‌های (اجتماعی، فرهنگی و مالی) خود، در روند بازسازی نیز مشارکت فعالانه داشته باشند.

**نتیجه‌گیری:** از این طریق، ضمن توجه به خواسته‌های افراد، رغبت افراد به ماندن در محل فراهم شده و زمینه‌های بازگشت به زندگی و رضایتمندی ساکنان فراهم می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** زلزله، اسکان موقت، بافت تاریخی، حس تعلق، اسکان در محل.

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** دانایی‌نیا، احمد؛ زاغیان، محمدعلی (بهار، ۱۳۹۸). مکان‌گزینی آسیب‌دیدگان ناشی از زلزله در بافت‌های تاریخی با تأکید بر مرحله‌ی اسکان موقت؛ (چرایی و ضرورت‌ها). فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۹ (۱)، ۹-۲۱.

## The selection of site for earthquake victims in historical textures based on temporary accommodation; (Why and necessities)

Ahmad Danaeinia<sup>1</sup> & Mohammad Ali zaghiyan<sup>2</sup>

1- Assistant Professor, Department of Architecture, University of Kashan (corresponding author)

2- Graduate student in architecture at the University of Kashan

### Abstract

**Background and objective:** Regarding the severe vulnerability of historical textures to earthquake, studying the aspects of the crisis, the particular feature of such contexts and a considering previous related experiences, it is significantly important to temporarily house people during the process of providing a shelter after the incident. It should be noted that finding the most logical yet practical solution would prevent any further catastrophe following the very first crisis. Experience proves that residents of aforementioned with a much more depth in social relationships are far more inclined to stay in the area. Therefore, preparing the suitable circumstances would lead to a shorter time in reaching the normal stage. Hence, the question is what would make temporary shelters necessary and what could be the best solution?

**Method:** The following research, which is based on a qualitative approach, descriptions and analysis, studies the past of the noted issue and then the way people interact with historical places in various types, all relied on library studies. Subsequently, the data is analyzed, evaluated and resulted in conclusions according to the model of SWOT.

**Findings:** By referring to the results of evaluating the suggested model from both inside and out, Due to a sense of belonging and on-going social sustainability, there appears that occupants of historic places tend more than others to inhabit a location close to their residence after earthquake so that they can participate actively in the process of rebuilding while they are able to take care of their possessions (social, cultural and financial ones).

**Results:** Not only does it culminate in taking into account the needs of people, but it also provides them the desire to stay and strive to bring back life and satisfaction.

**Keywords:** Earthquake, Temporary shelter, Historic context, sense of belonging, Housing in the location.

► **Citation (APA 6th ed.):** Danaeinia A, Zaghiyan M. (2019, Spring). The selection of site for earthquake victims in historical textures based on temporary accommodation; (Why and necessities). *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 9(1), 9-21.



## مقدمه

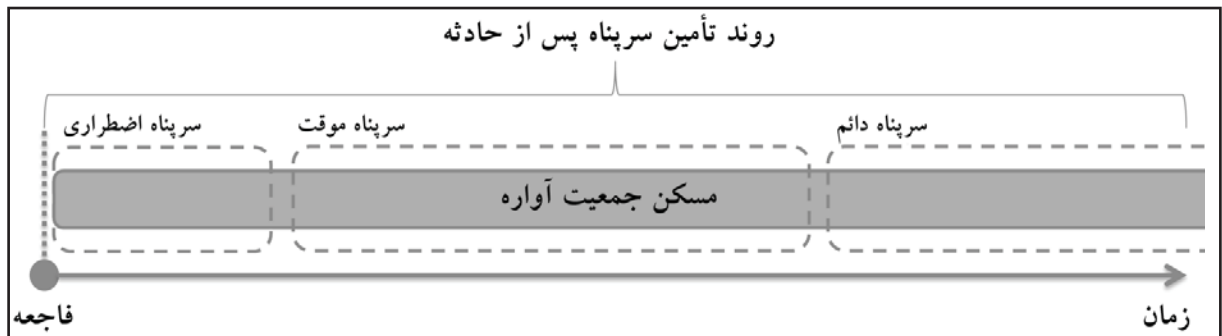
در کشوری همچون ایران، زلزله ملموس‌ترین پدیده‌ی طبیعی است که طی دهه‌ها و سده‌های متوالی، تلفات و خسارات جبران‌ناپذیری را بر پیکره شهرهای تاریخی وارد ساخته است. بازماندگان با از دست دادن فضای زندگی و به منظور بازیابی امنیت جسمی، روحی و اجتماعی و ترمیم وضعیت معیشتی، با وجود تعلقات خاطر فراوان، آواره می‌شوند. آمار بی‌خانمانی و خسارت‌های ناشی از زلزله، رابطه‌ی مستقیم با آسیب‌پذیری منطقه‌ی سانحه‌دیده دارد. بدیهی است که هرچه کالبد فرسوده‌تر باشد، میزان تخریب بیشتر بوده و در نهایت افراد بیشتری سرپناه خود را از دست می‌دهند. لذا توجه بیشتر به ابعاد مختلف اسکان پس از سانحه در بافت‌های تاریخی، اهمیت می‌یابد. ماهیت بحران در بافت‌های تاریخی به دلیل ویژگی‌های کالبدی و خصوصیات سازه‌ای در قیاس با سایر بافت‌های شهری دارای ابعاد پیچیده‌تری است. به تعبیری، در این گونه بافت‌ها، مکان وقوع زلزله یعنی بافت تاریخی، زمینه را برای رویارویی جدی‌تر با پدیده‌ی زلزله و اسکان موقت بازماندگان آشکارتر می‌کند. از همین رو تأمین سرپناه در بافت‌های تاریخی، اهمیت ویژه‌ای دارد. تجارب زلزله‌های پیشین مبین آن است که با وقوع زلزله، سازمان‌های مرتبط و مدیریت بحران حاضر در صحنه، جهت تسریع و سهولت در ارائه‌ی خدمات، اقدام به جابه‌جایی شتاب‌زده بازماندگان به مناطقی با فاصله‌ی نسبتاً زیاد از محل زندگی آنان می‌کنند. این موضوع در بافت‌های تاریخی می‌تواند زمینه بروز بحران‌های ثانوی را فراهم یا تشدید نماید. در جوامع بزرگ، به دلیل شناخت کم اعضا از یکدیگر و جابجایی مکانی گسترده، محله تنها در حکم اشتراک محل سکونت قابل طرح است؛ در حالی که مفهوم سکونت در اجتماعات کوچک متکی بر ساختار قدرتمند اجتماعی است. علاوه بر این، در صورت وقوع زلزله، در بافت جدید امکان جابجایی و تغییر مکان سکونت با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد؛ اما بافت تاریخی که بنا بر مقتضیات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته، اساساً قابل جابجایی نیست (اهمیت مکان). شرایط اشاره شده بیانگر آن است که در مواجهه با بافت تاریخی، صرفاً با وجوه فیزیکی ابنیه مواجه نیستیم؛ بلکه در واقع، مجموعه‌ی فعالیت‌ها و کنش‌های اجتماعی است که روح بافت تاریخی را می‌سازد.

اشتراکاتی همچون پیوندهای فرهنگی، حس تعلق، حس مشارکت و توانایی ارایه‌ی راهکارهای خلاقانه‌ی ساکنان که پیش شرط‌های اساسی جهت تسهیل در بازگشت به شرایط عادی به شمار می‌روند، رویکرد مواجهه با بحران زلزله را نیز از شرایط متفاوت‌تری برخوردار می‌سازد. به طور معمول پس از وقوع یک حادثه در ابعاد گسترده و وسیع، مناطق مسکونی موجود به نوعی غیرقابل استفاده شده و افراد بازمانده ناگزیر به سکونت در مکانی غیر از خانه‌های خود می‌شوند (خرم و دیگران، ۱۳۹۳) (ص ۹۶). «باید دانست که مردم پس از سانحه هستی و اندوخته‌ی مادی و معنوی سالیان خود را به یکباره نابود شده می‌یابند. بنابراین، سرپناه، به عنوان فضایی برای ایجاد آرامش، امنیت، اطمینان خاطر و بازتوانی روانی و روحی فرد آسیب دیده باید مورد توجه جدی قرار گیرد» (فلاحی، ۱۳۸۶) (ص ۵). همچنین می‌توان گفت که بازتوانی اجتماعی و روانی جامعه‌ی آسیب‌دیده در ازای بازتوانی کالبدی آن است (قنبرزاده‌قمی و دیگران، ۱۳۹۴) (ص ۱۵). از همین رو، به منظور حفظ کرامت بشر، حفظ اعضای خانواده در کنار هم، زندگی اجتماعی و توانمندسازی مردم آسیب‌دیده و رهایی از اثرات بجای مانده از حادثه مهم است (پروژه اسفیر، ۱۳۹۳) (ص ۲۵۶). لذا کشف نیاز بازماندگان و اندیشیدن تدابیری مناسب در جهت رفع آن می‌تواند در تأمین سرپناهی مطلوب موثر واقع شود و می‌توان با بکارگیری روش‌های خاص و سازماندهی مناسب از بروز مشکلات اجتماعی جلوگیری کرد (دهقان حسین‌آبادی، ۱۳۹۴) (ص ۱۴). از آنجا که در زمان بحران تأمین مسکن دائمی امکان‌پذیر نیست، اولین قدم، ایجاد سرپناهی «اضطراری»<sup>۱</sup> است تا شرایط اولیه زندگی و امنیت لازم را فراهم نماید. این نوع سرپناه که غالباً به صورت چادر بوده، به دلیل آنکه ممکن است مدت زمان اسکان موقت به درازا انجامد، قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای بازماندگان نیست و لذا «اسکان موقت»<sup>۲</sup> در دوران ساماندهی مطرح می‌شود که تا بازسازی کامل می‌تواند شرایط سکونتی حداقل و التیام‌بخش را فراهم آورد. زندگی در این سرپناه بسته به شرایط، می‌تواند ماه‌ها یا سال‌ها ادامه یابد و در نهایت به اسکان دائمی<sup>۳</sup> منجر شود.

1. Emergency Shelter.

2. Temporary Accommodation.

3. Permanent Housing.



شکل ۱. مراحل تأمین سرپناه پس از حادثه، (حسینی، ۲۰۱۶) (ص ۳۴).

به خلق آثار بدیعی نائل شدند (ابوئی و دانایی‌نیا، ۱۳۹۰) (ص ۶۰). در تمام دنیا به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که محلات تاریخی، جایگاه خاصی در میراث فرهنگی و تاریخی هر کشوری دارند که با مشخصه‌های سنت و ارزش‌های معمارانه خود به راحتی بازشناخته می‌شوند (دورالتی،<sup>۳</sup> ۲۰۰۵). بدیهی است که کالبد فضا در پیوند اجتماعی موثر است و علت پویایی و سرزندگی بافت‌های تاریخی در مرحله‌ی اول به دلیل ویژگی خاص فعالیتی آن بوده که از اعتقادات و باورهای سنتی نشان می‌گیرد. از طرف دیگر فرم و کالبد این نوع بافت با توجه وجود نمادها و عناصر سنتی و تمایز آن با سایر مناطق، در ایجاد تصویرهای ذهنی افراد و خاطره‌انگیزی فضا کمک و حس دلبستگی و تعهد به مکان را افزایش می‌دهد (عطائی و پورمحمدی، ۱۳۹۴) (ص ۲۴۲). شهرهایی با پیشینه‌ی تاریخی دارای محلات و بخش‌هایی هستند که از طریق ایجاد پیوستگی تاریخی و فرهنگی، حسی از تعلق مندی به مکان و هویت را برمی‌انگیزد (جهان‌زمین، ۱۳۹۵) (ص ۲). دلبستگی به مکان دارای دو مولفه‌ی اصلی، دلبستگی کالبدی و دلبستگی اجتماعی است که دلبستگی کالبدی به حس ریشه داشتن یا تأکید بر قدمت مکان و زمان آشنایی با مکان اشاره دارد و دلبستگی اجتماعی به رابطه و تعامل با افراد و گروه‌های حاضر در مکان مربوط است (لک، ۱۳۹۴) (ص ۱۶۱). احیای دلبستگی‌های قدیمی و شبکه‌های اجتماعی بعد از وقوع اختلال، هیچ‌گاه عیناً قابل جایگزینی نیست، زیرا مکان‌ها و معانی به آسانی قابل انتقال و جایگزینی نیستند (لک، ۱۳۹۴) (ص ۱۹). در این میان، مجموعه‌ای از عوامل محیطی، مناسبات معیشتی، آیین‌ها، مفاهیم اجتماعی و اعتقادی بر پایداری و تعلق اجتماعی در محله سنتی اثر می‌گذارد. شاخصه‌های فرهنگی اجتماعی محلات سنتی و کارکردهایی که محله به عنوان

«مهم‌ترین مسئله در موفقیت آمیز بودن این فرآیند، مطالعات اسکان موقت و اقدامات لازم در این زمینه پیش از وقوع زلزله است» (بمانیان و بختیاریان، ۱۳۹۲) (ص ۴۴). عدم توجه به این موضوع پیامدهای ناگوار و بحران‌های جدیدی برای جامعه‌ی آسیب‌دیده به همراه خواهد داشت.

## روش

این پژوهش بر اساس رویکرد کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل انجام شده است. نخست با تمرکز بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تجارب زلزله‌های پیشین با تکیه بر کتب، مقاله‌ها، گزارش‌ها، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی مرتبط، شیوه‌های مختلف اسکان موقت پس از زلزله مورد واکاوی قرار گرفته و سپس به مولفه‌ی حس تعلق به مکان در ساکنان بافت‌های تاریخی و اهمیت قربت‌های اجتماعی در این محیط‌ها، پرداخته شده است. در ادامه برای ارزیابی موضوع مورد نظر، طبق مدل سوات،<sup>۲</sup> داده‌های جمع‌آوری شده دسته‌بندی و نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای اسکان موقت در بافت‌های تاریخی مشخص شده‌اند تا با افزایش نقاط قوت، استفاده بهینه از فرصت‌ها، توجه به تهدیدها و کاهش نقاط ضعف، پیشنهادها لازم در خصوص اسکان موقت در بافت تاریخی ارائه شود.

لزوم برنامه‌ریزی مبنایی در مواجهه بافت‌های تاریخی در برابر زلزله: اصطلاح بافت تاریخی، می‌تواند معرف مجموعه رابطه‌هایی باشد که ذاتی تاریخی دارند و نه صرفاً قالبی از جنس کالبد یا فیزیک (فلامکی، ۱۳۸۴) (ص ۴۰). بافت تاریخی محصول اندیشه و ممارست افرادی است که طی سالیان متمادی و در سایه همیاری و مشارکت،

1. Hosseini, 2016

2. Strength, Weakness, Opportunity, Threat (SWOT).

3. Doralti, 2005.

و باید سازه‌های مناسبی را جایگزین کرد. این موضوع در تجربه‌ی بم با توجه به نسبت میزان تخریب ساختمان‌های تاریخی به بناهای مدرن و شهری، به وضوح قابل مشاهده بود (فلاحی، ۱۳۹۶) (ص ۱۲۴-۱۲۷). به نظر می‌رسد در وضعیتی که بخش گسترده‌ای از خاک ایران در معرض خطر نسبی متوسط و بالای زلزله قرار دارد، اندیشه رویارویی واقعی با کاهش خطرپذیری خسارات زلزله یابد به یک عزم ملی و خواست همگانی تبدیل شود.

چرایی اسکان موقت در بافت تاریخی: علیرغم اینکه مسئله‌ی آسیب‌پذیری بافت‌های تاریخی کشور در برابر زلزله، موضوع جدیدی نیست، اما کم‌توجهی و فقدان برنامه‌ریزی‌های جامع سبب شده که هنگام بروز سوانح، صدمات جبران‌ناپذیری بر ساکنان بافت تاریخی وارد شود. مطالعات نشان می‌دهد که متأسفانه برنامه‌ی جامعی در زمینه‌ی اسکان موقت پس از زلزله در بافت‌های تاریخی (به طور خاص) تدوین نشده و صرفاً به استحکام بخشی محدود بناهای شاخص تاریخی بسنده کرده‌اند.

بازخوانی تجارب زلزله‌های گذشته در شهرهای دارای هسته‌های تاریخی، مبین آن است که میان مردم و بافت‌های تاریخی حس تعلق بالایی وجود دارد. افزایش مشارکت‌های مردمی در جهت بهبود شرایط پس از بحران و مجموعه‌ی اقدامات جوامع بین‌المللی از جمله کمیته‌ی جهانی میراث فرهنگی در بهبود شرایط، نشان از خاص بودن شرایط به وقوع پیوسته در مناطق تاریخی است. مردم محلی هویت خود را در ریشه‌های عمیق میراث فرهنگی می‌بینند؛ به گونه‌ای که بر پایه‌ی گزارش‌ها، تخریب ارگ تاریخی بم پس از تلفات جانی، سهمگین‌ترین ضربه‌ی حادث شده به مردم گزارش شده بود (فلاحی، ۱۳۸۷) (ص ۱۳۵-۱۵۴). همچنین بر اساس نظرسنجی‌ها، مهمترین مشکل خانواده‌ها پس از این حادثه، سرپناه پس از سانحه گزارش شده است (عنبری، ۱۳۸۳) (ص ۱۴۱). گزارش‌ها حاکی از آن است که مردم با توجه به دل‌بستگی زیاد به بافت تاریخی، تمایل به اسکان در محل زندگی خود را داشته‌اند. پاسخ به سکونت در محل برای تعدادی از بازماندگان باعث گردید تا میل به بازسازی و بازگشت سریع‌تر به شرایط عادی در افراد تقویت شود (عنبری، ۱۳۸۳) (ص ۱۴۴). زنیان، در تشریح ابعاد زلزله‌ی بم به این مهم اشاره می‌کند که اردوگاه‌هایی که در حاشیه‌ی شهر و با فاصله‌ی زیادی از محل سکونتی

یک عرصه مسکونی در شهرهای ایرانی ایفاء کرده است، توجه به نقش مفهوم سکونت در ساختار محلات گذشته، عامل مهمی در تحقق سکونت جمعی و ایجاد حس تعلق در محله بوده است (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰) (ص ۱۸). این‌گونه بافت‌ها بخشی از سرمایه‌ی اجتماعی- فرهنگی شهرها هستند که براساس سنت‌های معماری و شهرسازی و با توجه به شرایط محیطی و ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی ساکنان، در طول سالیان متمادی تکوین یافته‌اند. امروزه این بافت‌ها به‌رغم اینکه میراث فرهنگی- تاریخی ارزشمندی را در خود دارند و محل سکونت و معیشت شهروندان بسیاری نیز هستند، به علت فقدان برنامه‌ریزی‌های شهری مناسب برای رفع فرسودگی‌ها و نارسایی‌هایشان، در مقابل پدیده‌های طبیعی از جمله زلزله، ناپایدار و آسیب‌پذیرند؛ به‌طوری‌که تاکنون عمده‌ی تلاش‌های صورت گرفته در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از وقوع زمین لرزه در شهرهای ایران، محدود به برنامه‌های مقاوم‌سازی ساختمان‌ها بوده است (کلانتری خلیل‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۵) (ص ۶۲). همچنین در برخی از کشورهای سانحه‌خیز مانند: ترکیه، یونان، پرتغال و ایتالیا به منظور برنامه‌ریزی مدیریت بحران در بافت‌های تاریخی، مقوله‌هایی مانند: تدوین قانون، آموزش آحاد جامعه، افزایش سطح آگاهی ساکنان، هماهنگی میان مؤسسات تحقیقاتی و نهادهای اجرایی، ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، آموزش همگانی، برپایی سمینارها و کارگاه‌های آموزشی حفاظتی و ایمن‌سازی، به‌کارگیری روش‌های مرمتی و طراحی در بافت تاریخی، تدوین نقشه‌های تخلیه‌ی سریع، شناسایی مکان‌های امن، پایش و ارزیابی برنامه‌ها (سیاست‌های مداخله)، از جمله تمهیدات به کار گرفته شده در این کشورها هستند (محمدزاده، ۱۳۹۱) (ص ۷۹). باید اذعان داشت بافت‌های تاریخی طی سال‌های متمادی قادر بوده‌اند که از حوادث و شرایط اقلیمی دشوار، در مناطق مختلف مصون بمانند. لیکن باید دانست خالق این‌گونه بافت‌ها، تمهیداتی را برای محافظت بناهای مزبور در برابر سوانح، به‌کار گرفته‌اند که بسیاری از مناطق تاریخی که تا امروز در برابر سوانح مقاومت کرده‌اند و به‌جا مانده‌اند، گواهی بر این مدعا هستند. همچنین باید توجه داشت که در بسیاری مواقع موضوع جلوگیری از خطر احتمالی در آینده به دلیل برای تخریب بافت‌ها تبدیل می‌شود. برای مثال، عموماً ادعا می‌شود که ساختمان‌های خشتی و آجری در برابر زمین‌لرزه مقاومت نداشته

افراد در سکونتگاه و همچنین استفاده از گروه‌های سازمان‌یافته جهت اعمال تدابیر امنیتی، باید مدنظر قرار گیرد (کورسلیس و ویتال،<sup>۱</sup> ۲۰۰۵). توجه به این موضوع می‌تواند از بروز برخی از چالش‌ها و مسائل اجتماعی پیش‌رو در ماه‌های اولیه پس از بحران جلوگیری کند (عنبری، ۱۳۹۳) (ص ۲۰۲). ضمن آنکه مطالعات مدیریت بحران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که زلزله‌های شدید ناتوانی‌های روانی طولانی مدت ایجاد می‌کنند. (درستیان، ۱۳۹۱) (ص ۳۲۳). با توجه به تحقیقات موجود در مورد مسائل سر و ساماندهی و همچنین محل سکونت قبلی و میزان تخریب و خطرات احتمالی در آینده، نخستین مجهول در برنامه‌ریزی اسکان موقت این سوال است که سرپناه موقت در کجا برپا شود؟ (شادی‌طلب، ۱۳۷۲) (ص ۷۵). در پاسخ به این پرسش لازم است تا در وهله‌ی نخست، سناریوهای اسکان موقت مورد بررسی قرار گیرد. به‌طور کلی، اسکان موقت، توسط به یکی از طرق زیر محقق می‌شود:

جدول ۱. سناریوهای اسکان موقت (فلاحی، ۱۳۸۶) (ص ۶).

سناریو	رفتار آسیب‌دیدگان	شرح
سناریوی اول	مردم پس از حادثه در خانه‌های خود باقی می‌مانند.	مردم پس از حادثه تمایل دارند در نزدیکی محل سکونت اولیه‌شان اسکان داده شوند؛ حتی اگر به کلی ویران شده باشد. بهتر است نهادهای مسئول بجای انتقال افراد به محل‌های اسکان موقت دور، به آنها کمک کند تا در محل زندگی خود اسکان یابند. زیرا در این محل افراد یکدیگر را می‌شناسند و ساختار اجتماعی و زندگی به وضعیت طبیعی نزدیک‌تر است و در نتیجه کمک به راحتی انجام گرفته و جامعه سریع‌تر به حالت طبیعی برمی‌گردد.
سناریوی دوم	مردم پس از بروز حادثه محل را ترک کرده ولی در شهر یا روستای خود ساکن می‌شوند که به اصطلاح آواره می‌شوند.	در این حالت اغلب افراد بیشتر دارایی خود را از دست می‌دهند و با حداقل وسایل خود راهی دیگر مناطق می‌شوند. محل‌های اسکان می‌تواند نزدیک محل سکونت اولیه باشد که این زمینه را برای افراد مهیا می‌کند که می‌توانند از زیرساخت‌های باقی مانده استفاده کنند.
سناریوی سوم	افراد از جامعه‌ی خود خارج شده و به مکانی دیگر منتقل می‌شوند که به اصطلاح پناهنده خوانده می‌شوند.	این موضوع باعث می‌شود که هر دو جامعه میزبان و مهمان تحت تأثیر بحران وارده قرار گیرند و نیازمند کمک باشند که دولت باید این موضوع را حل کند. این حالت نتایج مثبت و منفی برای هر دو طرف خواهد داشت که قابل‌تعمل است.

مردم ایجاد شده بود، به دلیل کمبودهای زیرساختی و عدم رضایت مردم، متروک و در نهایت برچیده شد. این شرایط باعث شد تا در پی ترک اردوگاه‌ها، زمینه‌ی مهاجرت قشر بومی و جایگزینی تدریجی قشر مهاجر فراهم گردد (زنیان، ۱۳۹۰) (ص ۷۴-۷۵).

با عنایت به این موارد، انتظار می‌رود اسکان موقت در این مناطق از شیوه‌های مرسوم پیروی نکرده و با تأکید بر برنامه‌ریزی اسکان در محل و استفاده از ظرفیت‌های موجودی که قابل بهره‌برداری و مناسب‌سازی پیش از حادثه را دارا هستند، موضوع، به صورت چشمگیری در مدیریت بحران بافت‌های تاریخی موثر واقع شود. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که ضرورت اسکان موقت سانحه‌دیدگان زلزله در بافت‌های تاریخی چه بوده و بهترین راه حل برای رفع این نیاز، در زمان وقوع بحران و پس از آن چیست؟.

در این پژوهش تلاش شده که با مطالعه‌ی پیشینه‌ی اسکان موقت در مناطق آسیب‌دیده و تحلیل آنها، بررسی حس و رفتار ساکنان بافت‌های تاریخی در مواجهه با پدیده‌ی زلزله، همچنین رصد ویژگی‌های خاص این‌گونه بافت‌ها و شناسایی ظرفیت‌های موجود در جهت چگونگی اسکان موقت در بافت‌های تاریخی، ضرورت‌های اسکان موقت در بافت تاریخی مورد واکاوی قرار گیرد.

اسکان موقت، فرصتی برای بازتوانی؛ با توجه به این مهم که «پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و کاهش خطرپذیری سوانح، به منظور حفاظت موثر از افراد، جوامع و کشورها، معیشت آنها، سلامت، میراث فرهنگی، سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی، اکوسیستم‌های موجود و بنابراین تقویت برگشت‌پذیری آنها، یک امر حیاتی و ضروری است» (سعیدی و دیگران، ۱۳۹۴) (ص ۱۲)، پیش‌بینی اسکان موقت پس از زلزله و برنامه‌ریزی برای آن به عنوان یکی از مراحل ساماندهی در سیستم مدیریت بحران، قبل از وقوع حادثه می‌تواند در کاهش خطرپذیری در برابر سانحه احتمالی موثر واقع شود؛ این موضوع یک سرمایه‌گذاری مقرون به صرفه در پیشگیری از خسارات و تلفات در آینده نیز محسوب می‌گردد. به ضرس قاطع می‌توان گفت که با برنامه‌ریزی مناسب پیش از وقوع سانحه، می‌توان از بسیاری از بحران‌های ثانویه جلوگیری کرد. در یک جامعه‌ی آسیب دیده مهم‌ترین مسئله، برقراری ایمنی و امنیت افراد جهت ایجاد سکونتگاه‌های موقت است که در آن کاهش آسیب‌پذیری

امینی، ۱۳۹۵) (ص ۷۲). بدین منظور چنانچه بتوان از توانایی‌های محلی استفاده کرد، ساختارهای محلی با حفظ و صیانت از سنت‌ها و هویت سکونت در آنها مورد حفاظت قرار می‌گیرند» (جهان‌زمین، ۱۳۹۵) (ص ۶). توجه به ظرفیت‌های موجود در جهت تأمین سرپناه موقت می‌تواند از جابجایی افراد از محل سانحه و زندگی سابقشان که دارای پتانسیل‌های اساسی در جهت رفع نیازهای موجود بوده و افراد از آن آگاه هستند، مانند استراتژی منطقه و امکانات موجود در محل، جلوگیری کند. لذا با توجه به این مهم تمامی اهداف مورد نظر حفظ و از منابع موجود بهترین استفاده می‌شود که از ابعاد مختلف قابل توجه است (دهقان حسین‌آبادی، ۱۳۹۴) (ص ۱۶). آن‌ها می‌توانند با دیدن آشنایان و همچنین حضور در مکانی که خاطرات زیادی در آن سالیان سال ساخته‌اند، با سرعت بیشتری به زندگی قبل از بحران برگشته و مجدد به فعالیت‌های گذشته مشغول شوند. از آثار منفی تخلیه آسیب‌دیدگان از محل زندگی‌شان، علاوه بر عدم تمایل و رضایت آسیب‌دیدگان، می‌توان به دشواری ارائه سرویس و خدمات توزیع کالاها، عدم انتقال دارایی‌های با ارزش، تخلیه نیروی انسانی مورد نیاز برای دوره‌ی ساماندهی و بازسازی از منطقه، تبدیل آسیب‌دیدگان زلزله به آوارگان زلزله و افزایش میزان آسیب‌های روانی بیشتر و دوره‌ی بهبود و بازگشت به زندگی عادی اشاره کرد (عنبری، ۱۳۹۳) (ص ۱۹۶). ذکر این موضوع نیز ضروری است که «تنها آسیب‌دیدگان می‌توانند به بهترین وجه اصلی‌ترین نیازها را در اوضاع محلی تشخیص دهند و بهترین راه‌حل را برای خویش برگزینند» (خورشیدیان، ۱۳۹۰) (ص ۱۲۳). «محل مسکن موقت با توجه به تمایلات بازماندگان مشخص است، یعنی نزدیک محل سکونت قبلی، ولی انتخاب این نقاط بستگی به شدت و دامنه‌ی تخریب زلزله نیز دارد؛ زیرا برخی از نقاط آسیب‌دیده را با توجه به شدت تخریب با مصالح بومی و توسط نیروی کار محلی و همیاری آسیب‌دیدگان (البته با اظهار نظرهای فنی و کارشناسی می‌توان به سادگی ترمیم کرد. بنابراین، بحث سرپناه موقت مربوط به نقاطی است که به حدی تخریب شده است که خانوارها گاهی حداقل برای یک سال و یا بیش از آن نیاز به سرپناه موقت دارند» (شادی‌طلب، ۱۳۷۲) (ص ۷۵).

غالباً دیده شده است که مسئولان برای سهولت کار در برقراری امنیت و خدمات ضروری اقدام به تخلیه‌ی اجباری مناطق آسیب‌دیده و سپس برپایی اردوگاه‌های جمعی در خارج از محل حادثه و زندگی بازماندگان می‌کنند که با توجه به بروز مشکلات حاد فرهنگی و اجتماعی، اغلب مورد نارضایتی مردم واقع می‌شوند (فلاحی، ۱۳۸۳) (ص ۲۰). تجربه نشان می‌دهد بحران ثانویه زمانی رخ می‌دهد که افراد مجبور به ترک محل زندگی و مهاجرت به مناطق دیگر شوند زیرا پس از بروز حادثه افراد ترجیح می‌دهند که در نزدیکی فعالیت‌ها و جوامع قبلی به زندگی خود ادامه دهند (آکویلینو، ۲۰۱۱). به‌طور کلی جابجایی یک زیستگاه می‌تواند تأثیرات منفی در سطوح محلی و منطقه‌ای داشته باشد. وابستگی به زمین، نوع الگوهای همسایگی و مجاورت آشنایان و اقوام، از امنیت مسکن برای ساکنان مهم‌تر است. همچنین ارزش‌های فرهنگی، نمادین و تاریخی سرزمین تخریب شده برای ساکنان آن، به آسانی قابل انتقال به زمین جدید نیست و مزایای معیشتی و اقتصادی زمین آسیب‌دیده آن را برای ساکنانش عاری از خطر جلوه‌گر می‌سازد (آیسان و دیویس، ۱۳۸۲) (ص ۵۲-۵۳). همچنین به دلیل افزایش حس تعلق به مکان در شرایط بحران، ترجیح می‌دهند در کنار خانه‌های تخریب‌شده‌ی خود بمانند تا از فرصت‌های کاری و همچنین از روابط خویشاوندی و آشنایی در آن منطقه جهت سکونت استفاده کنند (شمالی، ۱۳۹۲) (ص ۳۲). بازماندگان با حضور در محلی که به آن تعلق دارند و محیط آن را کامل می‌شناسند، بهتر می‌توانند با بحران کنار آمده و خود را بازیابی کنند. با انتقال افراد به محلی غریب، آنها را آواره خوانده و جز تشدید حادثه از نظر روانی کار دیگری نکرده‌ایم. لذا از آنجا که بافت تاریخی بنا بر مقتضیات تاریخی و فرهنگی قابل جابجایی نیست، در صورت اجبار به چنین امری، ارزش‌های مکانی آن تحت‌الشعاع قرار گرفته و اصالت خود را از دست می‌دهد (ابوئی و دانایی‌نیا، ۱۳۹۰) (ص ۵۴). همچنین با توجه به ویژگی‌های بستر طبیعی بافت‌های تاریخی مانند الگوی نامنظم و تراکم بالای ساختمانی این‌گونه مناطق، با وقوع بحران قابلیت تردد و ارائه‌ی خدمات اسکان از بیرون محدوده را کاهش می‌دهد (برومند و



بازشناسی تجارب زلزله‌های پیشین ایران در مواجهه با اسکان موقت بازماندگان: با عنایت به شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر فضای جامعه، تجارب زلزله‌های پیشین مبین تصمیمات شتابزده و ضربتی مجریان است که نه تنها موجب بهبود وضعیت اسکان بلکه باعث بروز مشکلات ثانوی شده و نارضایتی بازماندگان را به دنبال داشته است. در همین راستا به مروری برخی از مهمترین تجارب اسکان موقت پس از زلزله در سطح ایران و قیاس آن با تجارب برخی کشورهای دارای بافت تاریخی می‌پردازیم (جدول ۲ و ۳).

جدول ۲. سیاست اسکان موقت پس از زلزله و تبعات ناشی از آن در شهرهای زلزله‌زده‌ی ایران از دهه‌ی ۴۰ تا ۹۰، (نگارندگان، ۱۳۹۶).

مکان وقوع زلزله	سیاست اسکان موقت	سناریوی اسکان موقت و تبعات ناشی از آن
بوئین زهرا ۱۳۴۱	داخل و خارج از محل سکونت قبلی	درصد قابل توجهی از جامعه‌ی زلزله‌زده محل حادثه را ترک کرده و در منطقه‌ای با فاصله‌ی زیاد از محل زندگی سابق خود و در چادرهای اهدایی و خانه‌های پیش‌ساخته مستقر شدند. با توجه به ناپایداری این نوع اسکان در برابر نوسانات جوی، مشکلات زیادی شامل حال خانوارها شد که در برخی از موارد افراد فرار از سرما اقدام به حفر گودال کردند. اما خانوارهایی که در محل ماندند، با بکارگیری مصالح بازیافتی از آوارهای موجود و همچنین با مشارکت یکدیگر، اقدام به ساخت سرپناه در زمین‌های خود کردند که این حرکت رضایت‌مندی بیش‌تری را از سوی بازماندگان به همراه داشت (علیزمانی، ۱۳۷۹) (ص ۷۰-۷۲)
فردوس ۱۳۴۷	خارج از محل سکونت قبلی	پس از این حادثه، اهالی از جمله ساکنان بافت تاریخی منطقه (شهر تون) از محل خارج و در چهار اردوگاه (اغلب بصورت چادر) در حاشیه‌ی شهر مستقر شدند. تقسیم بندی خانوارها در اردوگاه‌ها بر اساس محله‌ی مسکونی آنها و همچنین طبقه‌ی اجتماعی افراد بود که این نیز خود باعث تبعیض در ارائه‌ی خدمات بین قشرهای مختلف شد. ... این تصمیم در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی برای بازماندگان نامطلوب بود و عدم رضایت آنان را به همراه داشت (بحرینی، پرتوی، ۱۳۷۵) (ص ۶۳)؛ (شادی‌طلب، ۱۳۷۲) (ص ۱۶۲).
طیس ۱۳۵۷	داخل محل سکونت قبلی	در این تجربه، با وجود بافت‌های تاریخی مانند اصفهک و نایبند در منطقه، نمونه‌ی موفقی از اسکان موقت در بافت‌های تاریخی را شاهد بودیم. پس از زلزله به دلیل محدودیت شهر و اینکه ساکنان حدود خانه‌های خود را می‌شناختند، کمپ‌های پیش‌ساخته (کانکس) در زمین خانه‌های بازماندگان مستقر شد. حتی در مواردی به دلیل کم ارزش بودن زمین، افراد از حدود زمین خود به دیگران جهت برپایی کمپ می‌بخشیدند. بنابراین در زمان کوتاهی اصل در جاسازی با استفاده از مصالح مقاوم‌تر و همچنین مشارکت محلی محقق شد. (جودوی، ۱۳۹۵) (ص ۷۲-۷۳)؛ (کره‌ئی، ۱۳۸۸) (ص ۱۱۵).
گلباف ۱۳۶۰	خارج از محل سکونت قبلی	با توجه به قرارگیری شهر بر روی گسل، تصمیم به جابجایی جامعه‌ی زلزله‌زده گرفته شد. درصد کمی از بازماندگان به شهرهای مجاور مهاجرت کردند و برخی نیز در محل زندگی خود، در چادرها یا کانکس‌های پیش‌ساخته مستقر شدند. اما درصد قابل توجهی از بازماندگان، در خارج از شهر به شیوه‌ی اردوگاهی ساکن شدند. بروز برخی از مشکلات از جمله نداشتن مواد سوختی و فضای کافی برای زندگی، نوسانات جوی و مشکلات فرهنگی، باعث شد تا افراد اردوگاه‌ها را ترک کرده و در کنار خانه‌های خود مستقر شوند (بحرینی و پرتوی، ۱۳۸۰) (ص ۹۱)؛ (شادی‌طلب، ۱۳۷۲) (ص ۱۹۳).
رودبار و منجیل ۱۳۶۹	خارج از محل سکونت قبلی	به دلیل وجود ناهمواری‌ها و همچنین پوشش گیاهی انبوه در منطقه، فضای باز کافی و همچنین دسترسی مناسب جهت اسکان بازماندگان در نزدیکی خانه‌ی آنها وجود نداشت. بنابراین تصمیم بر این شد تا اسکان موقت به‌صورت اردوگاهی در چند نقطه انجام گیرد که تعدادی از آنها در نزدیکی به مراکز شهری و تعداد دیگر در نقاط فرعی برپا شد. اگرچه مراکز اصلی به علت نداشتن فضای باز کافی جهت استقرار اردوگاه‌ها لحاظ نگردید اما نزدیکی مکان اردوگاه‌ها به مراکز شهری در چند موردی که در این تجربه اتفاق افتاد، ارائه خدمات و پشتیبانی‌های لازم به سهولت انجام گرفت که یک الگوی مثبت در این تجربه تلقی می‌شود. اما در اردوگاه‌هایی که در حاشیه شهر برپا شد، نتیجه مطلوب نبوده و به نارضایتی ساکنان منجر شد (بحرینی و آخوندی، ۱۳۷۹) (ص ۱۱۱)؛ (زرگر و دیگران، ۱۳۶۹) (ص ۳-۱۱)؛ (شادی‌طلب، ۱۳۷۲) (ص ۶۳-۱۱۴)؛ (مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران، ۱۳۷۲) (ص ۱۴۳).
اردبیل ۱۳۷۵	در داخل محل سکونت قبلی	با وجود منطقه‌ی تاریخی در مرکز شهر، افراد در نزدیکی خانه‌های خود محلی را جهت برپایی اسکان موقت آماده کردند. با کمک‌هایی که از طرف ستاد حاضر شد، افراد در این امر مشارکت کرده و خود درگیر تأمین سرپناه برای خانواده‌ی خود شدند. ... در این تجربه تأکید بر مشارکت‌های مردمی و همچنین استفاده از مصالح بازیافتی و آوار باقی‌مانده از مخروبه‌ها بود که در نهایت رضایت بازماندگان را به همراه داشت (هوشیار، ۱۳۸۷) (ص ۷۲).
بم ۱۳۸۲	در خارج از محل سکونت قبلی	در تجربه‌ی بم به عنوان نمونه‌ای از اسکان در بافت‌های تاریخی، با موفقیت همراه نبود و در روزهای اولیه‌ی امداد، جهت اسکان افراد چادرهایی بین بازماندگان توزیع شد که به برپایی آنها در فضاهای باز محلی و حاشیه‌ی جاده‌ها منجر شد. همچنین اردوگاه‌های جمعی به صورت چادر در خارج از شهر برپا شدند اما اغلب این اردوگاه‌ها توسط اجاره‌نشینان و مهاجران بی‌خانمان اشغال شد. پس از زلزله مردم تمایل داشتند تا در نزدیکی محل زندگی خود تعلق خاطر عمیقی داشتند. ... در ابتدای سال ۸۳، افراد مستقر در چادر به واحدهای تأمین کنند؛ زیرا آنان به محل زندگی سابق خود تعلق خاطر عمیقی داشتند. ... در ابتدای سال ۸۳، افراد مستقر در چادر به واحدهای کوچک پیش‌ساخته در املاک شخصی خود که امکانات محدودی داشت منتقل شدند که این موضوع منجر به ترک اردوگاه‌ها و استقرار افراد در محل زندگی سابق خود گردید که رضایت آنها را به دنبال داشت. (بادله، ۱۳۹۰) (ص ۴۹-۵۰)؛ (خاتم، ۱۳۸۳) (ص ۳-۴)؛ (فلاحی، ۱۳۸۳) (ص ۲۰-۲۲)؛ (فلاحی، ۱۳۸۶) (ص ۱۴۶-۱۴۹)؛ (مدالچی و زرکش، ۱۳۸۹) (ص ۵۳۵).
لرستان ۱۳۸۵	داخل محل سکونت قبلی	در زلزله‌ی لرستان، مدیران تصمیم به اسکان موقت در چادر گرفتند تا مردم منطقه را به‌طور مستقیم از چادرها به ساختمان‌های مسکونی دائم منتقل کنند. تصمیم به زندگی در چادر مشکلاتی از جمله: ناپایداری در برابر نوسانات جوی، کمبود فضای داخلی چادر، امکانات اولیه‌ی نامناسب و همین‌طور طولانی شدن دوره‌ی اسکان موقت را به همراه داشت. این مشکلات علی‌الخصوص در بافت تاریخی بروجرد باعث شده بود، افرادی که تحمل زندگی در چادر را نداشتند مجبور به اسکان در اماکن خاص از جمله کالورت‌های جاده‌ای، ساخت سرپناه‌های چوبی، ترکیب سایبان چوبی و چادر، حصارکشی و دیوارچینی به‌دور چادرهای خود و اقدام به روش‌های خلاقانه‌ی دیگر کنند (امیدوار و دیگران، ۱۳۸۶) (ص ۴۵-۴۸)؛ (خورشیدیان، ۱۳۸۷) (ص ۶۴).

با نگاهی به تجارب زلزله‌های اخیر ایران در می‌یابیم، افراد بیش از پیش خواستار ادامه‌ی زندگی در همان مکان‌هایی هستند که سال‌ها در آن زندگی کرده و به آن دلبستگی داشته‌اند (تجربه‌ی بم). همچنین برنامه‌ی بازتوانی و بهبود اثرات ناشی از بحران با سرعت قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته بود و افراد از رضایت خاطر بیشتری نسبت به جابجایی از محل برخوردار بودند (تجربه‌ی طبس). با توجه به جدول ۲، در مواردی که بازماندگان جهت اسکان موقت، از محل زندگی خود خارج و راهی مناطق دورتری شده‌اند،

### جدول ۳. سیاست اسکان موقت پس از زلزله و تبعات ناشی از آن در شهرهای زلزله‌زده‌ی کشورهای مختلف، (نگارندگان، ۱۳۹۶).

مکان وقوع زلزله	سیاست اسکان موقت	سناریوی اسکان موقت و تبعات ناشی از آن
ایتالیا ۱۹۶۸ ۱۹۷۶ ۱۹۸۰ ۲۰۰۹	داخل محل سکونت قبلی	شیوه‌ی اسکان موقت پس از حوادث در تجارب زلزله‌های بلیچه، فریولی، ایربینیا و لاکویلا، استفاده از ظرفیت‌های موجود باقی‌مانده و مقاوم در شهر که دارای فضای باز مناسب و امکانات جهت استقرار بازماندگان در خود محل حادثه بود؛ مانند ساختمان مدارس و بیمارستان‌ها، همچنین انتقال افراد به اراضی مناطق همجوار که از قبل مسکن موقت و مقاوم در آنجا پیش‌بینی شده بود و در نهایت استفاده از واحدهای پیش‌ساخته طراحی شده قبل از سانحه که در محل مستقر شده بودند (اهری، ۱۳۶۹ (ص ۲-۱۴)؛ (بقایی‌فر، ۱۳۸۸ (ص ۴۸-۶۹)؛ (خرم و دیگران، ۱۳۹۳ (ص ۹۶)؛ (زنیان، ۱۳۹۰ (ص ۶۵-۶۹)؛ (کاسیدی، ۲۰۰۷ (ص ۴۴۸).
ژاپن ۱۹۹۵	خارج از محل سکونت قبلی	بر اساس گزارش HIC، ۱۰ در مهمترین زلزله‌ی این سال‌ها، یعنی زلزله‌ی کوبه در سال ۱۹۹۵ به عنوان یک شهر تاریخی، با توجه به تخریب بافت تاریخی شهر و به منظور تأمین اسکان موقت، مکان‌های زیادی در نظر گرفته شد. در ابتدا اردوگاه‌هایی به صورت جمعی در زمین‌های عمومی حاشیه شهر برپا شد. دولت جهت رفع کمبودهای اسکان از بازماندگان خواست تا اردوگاه‌ها را ترک و به مراکز انتظار و یا پذیرش واحدهای موقتی که اکثر آنها از محل زندگی اصلی این افراد فاصله زیادی داشت، نقل مکان کنند که با مقاومت آنها روبرو شد. زیرا آنها تمایل داشتند که در نزدیکی محل زندگی سابق خود اسکان داده شوند و با توجه به شرایط بوجود آمده، بازماندگان در خانه‌های پیش‌ساخته‌ی شخصی اجاره‌ای در زمین‌های عمومی از جمله فضاهای باز که به محل زندگی سابق آنها نزدیک بود، ساکن شدند (ساناکومو، ۱۳۷۲ (ص ۱۷-۷۲)؛ (نادرزاده، ۱۳۷۴ (ص ۱۸۲-۱۸۳)؛ (اتلاف بین‌المللی سکونتگاه‌ها، ۱۹۹۶).
مقدونیه ۱۹۶۳	خارج از محل سکونت قبلی	زلزله سال ۱۹۶۳ در اسکوپیه، نمونه‌ای دیگری از تجربه‌ی زلزله در بافت‌های تاریخی است که پس از آن با اتخاذ سیاست تخلیه‌ی محل، مردم شهر در طول سه هفته تخلیه شدند اما این سیاست مؤثر نبوده و مردم ظرف ۳ تا ۴ ماه به محل سابق خود بازگشتند (بادله، ۱۳۹۰ (ص ۴۹-۵۰)؛ (مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۶ (ص ۱۲۲-۱۲۳).
هائیتی ۲۰۱۰	هم در داخل و هم در خارج از محل سکونت قبلی	در تجربه‌ی زلزله‌ی پورتو پرنس در سال ۲۰۱۰، به ویژه در بافت قدیم این شهر، افراد در هر زمین خالی با توجه به تخریب تعداد زیادی از خانه‌ها، مانند پارک‌ها، کنار جاده‌ها و یا زمین‌های دیگر ساکن شدند. در این تجربه، جابجایی مردم به سکونتگاه‌هایی که در فاصله‌ی قابل توجهی از محل زندگی اصلی آنها بود، چالش‌هایی را در برنامه‌ی بازتوانی داشته است (شمالی، ۱۳۹۲ (ص ۵۷).

آشکار می‌گردد که جابجایی بازماندگان از محل زندگی‌شان، جز تشدید بحران و بروز بحران‌های بعدی، پیامد مثبتی به همراه نداشته است؛ از مجموع تجارب اسکان موقت، ضرورت اسکان موقت در محل از ابعاد مختلف زیر قابل بررسی است (جدول ۴).

### یافته‌ها

ارزیابی اسکان موقت در بافت‌های تاریخی با مدل تحلیلی سوات:

برای بررسی و تحلیل چرایی اسکان موقت در بافت‌های تاریخی با تأکید بر اسکان در محل، با استفاده از مدل تحلیلی سوات، ماتریس عوامل درونی (ضعف‌ها و قوت‌ها) و بیرونی (تهدیدها و فرصت‌ها) تعریف شده و به ارزیابی آن پرداخته شده است. عوامل داخلی عبارتند از ضعف‌ها و قوت‌های یک سیستم که به‌طور مستقیم بر آن اثر گذاشته و در درون سیستم قرار دارند و عوامل خارجی، تهدیدها و فرصت‌هایی را شامل می‌شود که به صورت غیر مستقیم و از محیط خارج بر سیستم احاطه دارند (جدول ۵). مدل سوات برای شناخت روشن‌تر و

1. Cassidy, 2007.

2. Habitat International Coalition (HIC), 1996.





جدول ۴. اثرات اسکان موقت در بافت‌های تاریخی با تأکید بر ماندن در محل، (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شرح	ابعاد
در بافت‌های تاریخی می‌توان از ظرفیت‌های موجود از قبیل فضاهای باز محلی (مرکز محله‌ها، فضاهای سبز، زمین‌های بایر) و فضاهای باز شخصی (حیاط منازل) و مقاوم‌سازی برخی ابریه عمومی بلا استفاده در محله، جهت اسکان افراد بهره‌بردار کرد. این کار می‌تواند از روش‌های مرسوم مانند زندگی در اردوگاه‌ها برای بازماندگان مطلوب‌تر باشد. همچنین می‌تواند از سنگینی بار مسئولیت مدیریت بحران حاضر در صحنه بکاهد. در این صورت بازماندگان می‌توانند خانه‌های تخریبی خود را تدریجی با مصالح باقی‌مانده و بازسازی احیا کنند و در فرایند بازسازی، مشارکت جدی داشته باشند.	محل اسکان
وجود پیوندهای اجتماعی باعث افزایش همیاری و نوع دوستی شده که می‌تواند در فرآیند مدیریت بحران، موثر واقع شود. این موضوع می‌تواند تسریع در امر بازسازی و در نهایت تأمین رضایت خاطر شهروندی و حس آرامش و امنیت اجتماعی را در پی داشته باشد.	بازتوانی اجتماعی و روانی
در این موارد می‌توان کمک‌های امدادی و خدمات بهداشتی را با اطلاعات کافی که قبل از حادثه، از ساکنان در اختیار مسئولین قرار دارد، به شکل بهینه‌تری ارائه داد؛ همچنین می‌توان با توجه به آرامش خاطر افراد ناشی از اسکان در محل زندگی‌شان، بسیاری از مشکلات روحی آنان را کنترل و از بروز مشکلات ثانوی جلوگیری کرد.	ارتقاء سطح بهداشت
با استقرار بازماندگان در محل زندگی خود، مدیریت توزیع نیازهای اولیه‌ی زندگی به‌ویژه مواد غذایی و آب آشامیدنی، با توجه به آشنایی افراد از یکدیگر، با کیفیت و سرعت مطلوب‌تری انجام می‌گیرد.	توزیع مناسب خدمات
در این حالت از اسکان، می‌توان از ورود افراد متفرقه که به قصد سودجویی وارد مناطق زلزله می‌شود و همچنین کوچ بازماندگان به دلیل ناامنی، به سایر مناطق جلوگیری کرد و حیات اجتماعی و ساختار کالبدی منطقه‌ی زلزله‌زده حفظ خواهد شد و افراد با آرامش بیشتری به بازتوانی و احیای زندگی می‌پردازند.	ارتقاء امنیت
با حضور بازماندگان در محل زندگی، ضمن تلاش آنان در بهبود وضعیت مالی و بازتوانی اقتصادی، هزینه‌ی اسکان و تهیه‌ی مایحتاج اولیه به طور چشمگیری کاهش می‌یابد و از صرف غیر ضروری هزینه‌های بخش دولتی نیز می‌کاهد.	بازتوانی اقتصادی

اجرای مؤثر و کارآمد پروژه‌ها به کار گرفته می‌شود تا از بروز مشکلات احتمالی مرتبط با موضوع، در زمینه‌های مختلفی چون (روانشناختی، زیست‌محیطی، نهادی- دولتی، کالبدی و اقتصادی- معیشتی)، جلوگیری کند. ضمن آن که می‌توان در راستای تکمیل این فرآیند از مدل تحلیل مسأله «شش کلاه» مطرح شده توسط ادوارد دوینو<sup>۱</sup> نیز استفاده کرد که به طریقی خلاقانه به دیدن یک مسأله از چشم‌اندازهای متفاوت از جمله (بصیرت، اطلاعات، احساسات، خوش‌بینی، خلاقیت و مدیریت) می‌پردازد (فلاحی، ۱۳۹۶) (ص ۶۲-۶۶).

جدول ۵: ماتریس نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت اسکان موقت در بافت‌های تاریخی، (نگارندگان، ۱۳۹۶).

عوامل بیرونی		عوامل درونی	
تهدیدها (T)	فرصت‌ها (O)	نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)
<ol style="list-style-type: none"> <li>تمرکز برنامه‌ریزی مدیریت بحران تاریخی به بخش دولتی.</li> <li>تمایل بخش مدیریت بحران کشور به اسکان بازماندگان در اردوگاه‌ها.</li> <li>دشواری امدادسانی در ساعات اولیه‌ی بحران با توجه به فرسودگی ابنیه.</li> <li>افزایش میزان مهاجرت غیر بومی‌ها به دلیل تنزل قیمت زمین در زمان بحران.</li> <li>عدم تمایل بخش اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بخش اسکان موقت.</li> <li>انتخاب تصمیمی ناکارآمد در برنامه‌ی اسکان به دلیل تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده.</li> <li>بروز اختلال در برنامه اسکان موقت به دلیل ناهماهنگی میان دستگاه‌ها.</li> <li>کمبود نیروی متخصص اسکان موقت در حوزه‌ی بافت‌های تاریخی.</li> <li>عدم تفاوت در برنامه‌ریزی اسکان موقت میان بافت‌های تاریخی و بافت‌های غیر تاریخی.</li> </ol>	<ol style="list-style-type: none"> <li>وجود اطلاعات دقیق از ساکنان جهت برنامه‌ریزی اسکان موقت.</li> <li>توجه ویژه سازمان‌های ملی و بین‌المللی به بافت‌های تاریخی.</li> <li>وجود فضاهای باز محلی مناسب در درون و بیرون بافت تاریخی جهت امدادسانی.</li> <li>اهمیت بافت تاریخی برای بخش مدیریتی منطقه‌ای به دلیل ارزش‌های تاریخی و گردشگری.</li> <li>بازتولید مصالح سنتی پس از بحران.</li> <li>حضور ارگان‌های مختلف بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی جهت ارایه‌ی خدمات.</li> <li>ظرفیت‌های بالای مشارکتی ساکنان در برپایی اسکان موقت و همچنین بازسازی و ساماندهی سریع.</li> </ol>	<ol style="list-style-type: none"> <li>قدمت و فرسودگی بالای ابنیه.</li> <li>معايير کم عرض.</li> <li>فشرده‌گی بافت تاریخی.</li> <li>آمار بالای تلفات به دلیل ناپایداری ابنیه.</li> <li>دشواری عبور و مرور وسیله‌های نقلیه.</li> <li>کم‌توانی مالی غالب ساکنان بافت تاریخی در فرایند اسکان.</li> </ol>	<ol style="list-style-type: none"> <li>شناخت ساکنان، بافت‌های تاریخی از مکان سکونت.</li> <li>قربانیت‌های اجتماعی بالای ساکنان به بافت تاریخی و پایداری اجتماعی.</li> <li>وجود عناصر هویت‌بخش فراوان در بافت تاریخی.</li> <li>تمایل ساکنان پس از سانحه به اسکان در نزدیکی محل زندگی.</li> <li>وجود حس همدلی، همیاری و مشارکت در ساکنان بافت‌های تاریخی.</li> <li>هزینه‌های پایین اسکان موقت در بافت‌های تاریخی نسبت به جایجایی بازماندگان.</li> </ol>

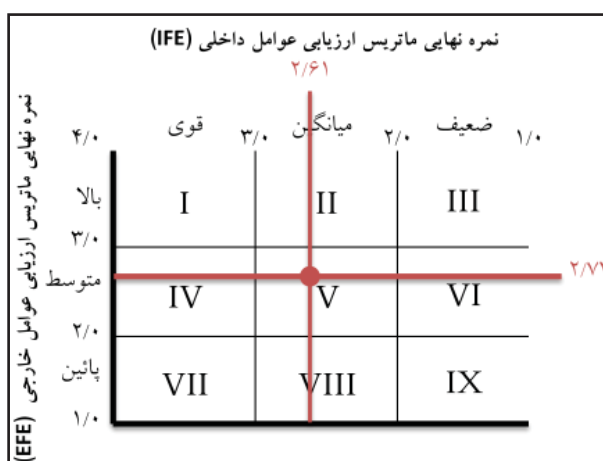
1. Edward de Bonos "thinking hats"

استفاده از ظرفیت‌های مشارکتی محلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و مناسب‌سازی آنها پیش از حادثه‌ی احتمالی، جهت اسکان موقت ساکنان در بافت تاریخی تعریف و تبیین نمود تا از این طریق، الگویی مناسب‌تر و کم‌هزینه‌تر از جابجایی برای مدیریت بحران و اسکان موقت در بافت تاریخی مطرح گردد.

### نتیجه‌گیری

بررسی تجارب مدیریت بحران زلزله و پیامدهای جبران‌ناپذیر ناشی از تعیین مکان نامناسب اسکان و همچنین عدم پاسخ‌دهی مناسب به نیازهای بازماندگان در روزهای اولیه‌ی پس از بحران در برخی از زلزله‌های به وقوع پیوسته همچون بم (۱۳۸۲)، نشان می‌دهد که افراد سانحه‌دیده در بافت‌های تاریخی، تمایل بیشتری به حضور در محل سکونت خود دارند. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش که "ضرورت اسکان موقت در بافت‌های تاریخی چیست و بهترین راه‌حل برای رفع این نیاز در زمان وقوع بحران و پس از آن کدام است؟" باید گفت در بافت‌های تاریخی به دلیل محدودیت‌هایی چون فشردگی بافت، دشواری در عبور و مرور، بضاعت کم ساکنان و مهم‌تر از آن آمار بالای بی‌خانمانی ناشی از ناپایداری ابنیه در برابر سانحه، باید از جابجایی پرهیز کرده و با توجه به شناخت و حس تعلق ساکنان به محل زندگی خود، اسکان در محل صورت گیرد. در راستای تحقق این امر، ظرفیت‌های موجود در بافت‌های تاریخی از پتانسیل‌های بالقوه‌ای به شمار می‌روند که در زمان بحران می‌توانند به فعلیت رسیده و شرایط مطلوبی جهت اسکان موقت سانحه‌دیدگان فراهم می‌آورند. همچنین می‌توان با ارائه‌ی یک کاربری مناسب (با توجه به نیاز فعلی ساکنان) در زمان حال نیز از آن ظرفیت بهره لازم را برد و تا زمان بحران احتمالی از آن حراست کرد. تحلیل‌ها مبین آن است که این روش از دیگر روش‌ها اقتصادی‌تر بوده و زمینه‌های بازگشت به شرایط عادی زندگی را با حضور اهالی در محل و مشارکت جدی آنان بیش از پیش فراهم می‌کند (جدول ۴ و شکل ۲). در این مقاله چگونگی اسکان موقت در بافت‌های تاریخی مطرح نبوده و صرفاً به چرایی (ضرورت) و امکان‌سنجی این موضوع پرداخته شده‌است. همچنین اسکان موقت با رویکرد اسکان در محل و بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه آن به عنوان یک عامل پدافندی، در مسیر

جهت بررسی اثر احتمالی مجموعه عوامل اثرگذار درونی و بیرونی بر برنامه‌ریزی اسکان موقت، وزنی از ۱ (مهم‌ترین) تا ۰ (بی‌اهمیت) تعیین شده است. هرچه مقدار وزن بیشتر باشد، تأثیر آن عامل بر موقعیت کنونی و آینده، بیشتر خواهد بود. سپس برای درجه بندی عوامل، به هر عامل براساس اهمیت آن در موضوع مورد نظر، امتیازی از ۴ (بسیار خوب) تا ۱ (ضعیف) داده شده که این درجه‌بندی نشان‌دهنده‌ی نوع واکنش نسبت به عوامل مزبور می‌باشد. پس از تعیین امتیاز به دست آمده از ارزیابی عوامل درونی (۲۰۶۱) و بیرونی (۲۰۷۴)، چنانچه امتیاز نهایی عوامل داخلی بر روی محور Xها از ۲۰۵ کمتر باشد، بدین معنی است که محدوده از نظر عوامل داخلی دچار ضعف می‌باشد. به همین ترتیب جمع امتیاز نهایی عوامل خارجی بر روی محور Yها، از ۱ تا ۲۰۵ بیانگر میزان تهدید و نمره‌های ۲۰۵ تا ۴ بیانگر میزان فرصت است (شکل ۲).



شکل ۲. نمودار چهارخانه ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵) (ص ۲۸۶).

در ارزیابی انجام گرفته، مشاهده می‌شود که وضعیت محدوده‌ی مورد مطالعه در خانه‌ی ۵ ماتریس عوامل داخلی و خارجی قرار گرفته و میزان هر دو عامل از میانگین نمره‌ی نهایی کمی بیشتر می‌باشد. در این وضعیت یافته‌ها حاکی از آن است که با توجه به میزان حس تعلق و دلبستگی به مکان و همچنین قربات‌های اجتماعی حاکم، بازماندگان تمایل به ماندن در بافت تاریخی و اسکان در همجواری محل زیست خود دارند. با عنایت به ارزش بافت‌های تاریخی به عنوان یک دارایی فرهنگی و ساکنان آن به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی، می‌توان بهینه‌ترین برنامه‌ریزی را با

۶. بحرینی، حسین؛ پروین پرتوی. (۱۳۷۵)، ارزیابی بازسازی سه شهر زلزله زده ایران (فردوس، گلباف و طبس) با تکیه بر تحلیل آسیب پذیری آن در برابر زلزله (جلد اول: فردوس)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۷. بحرینی، حسین؛ آخوندی، عباس. (۱۳۷۹)، مدیریت بازسازی مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی، تجربه‌ی بازسازی مناطق زلزله‌زده: گیلان و زنجان، دانشگاه تهران، تهران.
۸. بحرینی، حسین؛ پروین پرتوی. (۱۳۸۰)، ارزیابی بازسازی سه شهر زلزله زده ایران (فردوس، گلباف و طبس) با تکیه بر تحلیل آسیب پذیری آن در برابر زلزله (جلد دوم: گلباف)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۹. برومند، مریم؛ امینی، الهام. (۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی و طراحی شهری با رویکرد کاهش آسیب‌پذیری شهر در برابر زلزله، سیمای دانش، تهران.
۱۰. بقایی‌فر، امیر بهنام. (۱۳۸۸)، اسکان موقت پس از زلزله در ایران: بررسی روند تأمین سرپناه موقت در مناطق روستایی منجیل پس از زلزله خرداد ۱۳۶۹ گیلان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۱۱. بمانیان، محمدرضا؛ بختیاریان، نجمه. (۱۳۹۲)، مقایسه‌ی ظرفیت‌های نظام ساختمانی LSF با ICF برای ایجاد اسکان وقت در شرایط بحران پس از زلزله، مدیریت بحران، شماره ۴، ۴۳-۵۰.

[http://www.joem.ir/?\\_action=articleInfo&article=5603](http://www.joem.ir/?_action=articleInfo&article=5603)

۱۲. پروژه اسفیر. (۱۳۹۳)، منشور بشر دوستانه و حداقل استانداردها در پاسخگویی‌های بشر دوستانه، ترجمه کنسرسیوم بین‌المللی پناهندگان در ایران، چالش، تهران.

۱۳. پیربابایی، محمدتقی؛ سجاذاده، حسن. (۱۳۹۰)، تعلق جمعی به مکان: تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶، سال هشتم، ۱۷-۲۸.

[http://www.bagh-sj.com/article\\_2\\_ca3245582b-21299c8163b423a9ff1f4e.pdf](http://www.bagh-sj.com/article_2_ca3245582b-21299c8163b423a9ff1f4e.pdf)

۱۴. جهان‌زمین، یوسف. (۱۳۹۵)، احیاء و حفظ هویت محله‌های تاریخی و نقش آن در توسعه‌ی پایدار شهری با رویکرد برنامه‌های جماعت محور (آئین‌های مذهبی): محلات شش‌گانه‌ی شهر اردبیل، پایان‌نامه دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، گروه مرمت، دانشگاه هنر، اصفهان.

۱۵. جودوی؛ آیدا. (۱۳۹۵)، مستندسازی بازسازی زلزله ۱۳۵۷ طبس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۱۶. حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میر نجف. (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، نشر علم نوین، یزد.

۱۷. خاتم، اعظم. (۱۳۸۳)، شهر ویران و گروه‌های بازمانده اجتماعی، ویژه‌نامه زلزله بم، انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۲.

۱۸. خرم، مهدی؛ طیرانی نجاران، مهسا؛ صادقی نائینی، حسن. (۱۳۹۳)، معیارهای طراحی سرپناه موقت با رویکرد زلزله (مطالعه موردی خراسان رضوی)، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ۹۵-۱۰۶.

<http://www.sid.ir/FileServer/JF/11001113930709>

۱۹. خورشیدیان، عبدالمجید. (۱۳۸۷)، بازسازی پس از زلزله در ایران ارزیابی عملکرد ستادهای معین بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در بازسازی مناطق

مدیریت اسکان بازماندگان مورد توجه قرار گرفته است. لذا با در نظر گرفتن اصول و ضوابط طراحی اسکان موقت، مناسب‌سازی و تقویت کالبد و ظرفیت‌های این مناطق پیش از بحران، ضمن آنکه میزان و نحوه خدمات‌رسانی مدیریت خواهد شد، دامنه‌ی بحران به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. در صورت تحقق این مهم، زمینه تجدید حیات فضاهای تاریخی متروکه فراهم خواهد شد. در روند و فرایند بهره‌برداری از فضاهای تاریخی توجه به مبانی احیاء و شیوه‌های مداخله فنی و اصولی باید به بهترین شکل ممکن مورد توجه قرار گیرد تا بهره‌برداری صرف، مقدم بر صیانت و پاسداشت از موارث فرهنگی-تاریخی قرار نگیرد.

### آینده‌پژوهی

اگر چه در این مقاله، موضوع چرایی اسکان موقت در بافت‌های تاریخی با نگاه ویژه به شیوه‌های مختلف اسکان موقت پس از زلزله در ایران و جهان و اثرات مؤلفه‌ی حس تعلق به مکان در ساکنان بافت‌های تاریخی مورد واکاوی قرار گرفته، اما لازم است موضوع در پژوهش‌های مستقلی، از زوایای اقتصادی و ابعاد روان‌شناسی و اثرات مثبت و منفی آن مورد ارزیابی قرار گیرد؛ و اگر نتایج این دو اصل مهم به جامعه تخصصی ارائه شود، می‌تواند نگرش متولیان و برنامه‌ریزان را جلب کرده و در برنامه‌ریزی اسکان موقت مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

### منابع

۱. آيسان، یاسمین؛ دیویس، یان. (۱۳۸۲)، معماری و برنامه‌ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحي، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. ابویی، رضا؛ دانایی‌نیا، احمد. (۱۳۹۰)، نقش مشارکت مردمی در کاهش خسارات ناشی از زلزله در بافت‌های تاریخی، مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی، شماره ۲، ۵۳-۶۲.
۳. امیدوار، بابک؛ قاسمی، رضا؛ ظفری، حسین. (۱۳۸۶)، روش اسکان موقت و راهکارهای بومی آن در زلزله‌ی لرستان، صفة، سال شانزدهم، شماره ۴۵، پاییز و زمستان ۸۶، ۳۸-۵۳.
۴. اهری، زهرا. (۱۳۶۹)، استفاده طولانی از مسکن موقت پیش‌ساخته در زلزله‌های ایتالیا، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
۵. بادله، الناز. (۱۳۹۰)، مطالعه مقایسه‌ای اسکان موقت در زمین خانوار و اردوگاهی در بم پس از زلزله سال ۱۳۸۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.



۲۲. عنبری، موسی. (۱۳۹۳)، جامعه شناسی فاجعه: کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح در ایران، دانشگاه تهران، تهران.
۲۳. فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۳)، مروری بر فرآیند عملیات امداد و اسکان موقت، صفه، سال سیزدهم، شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ۷-۲۳. <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=47115>
۲۴. فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۶)، معماری سکونتگاه‌های موقت پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۵. فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۷)، آماده‌سازی مناطق تاریخی و مناظر فرهنگی، این میراث جهانی در خطر، برای مقابله با زلزله، صفه، سال هفدهم، شماره ۴۶، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ۱۳۵-۱۵۴. <http://sofeh.sbu.ac.ir/article/view/1687>
۲۶. فلاحی، علیرضا. (۱۳۹۶)، تأملاتی بر رویکردها و مدل‌های بازسازی پس از سانحه، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، تهران.
۲۷. قنبرزاده‌قمی، سارا؛ یزدانفر، عباس؛ تقدیری، علیرضا (۱۳۹۴)، سرپناه انتقالی پس از سانحه، سیمای دانش، تهران.
۲۸. فلاحی، منصور. (۱۳۸۴)، نوسازی و بهسازی شهری، سمت، تهران.
۲۹. کره‌ئی، علیرضا. (۱۳۸۸)، مکان‌یابی مراکز اسکان موقت پس از زلزله: نواحی سه و هفت منطقه چهار شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۰. کلاتری‌خلیل‌آبادی، حسین؛ صادقی، ساناز؛ حقی، مهدی. (۱۳۹۵)، راهبردهای مرمت در بافت‌های تاریخی شهرها با تأکید بر مدیریت بحران زلزله: محله‌ی سیروس تهران، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره بیست‌وسوم، بهار ۱۳۹۵، ۶۱-۷۴. <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=282321>
۳۱. لک، آزاده. (۱۳۹۴)، تجربه بازآفرینی حس دل‌بستگی به مکان در محلات آسیب‌دیده از زلزله با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای، بررسی موردی: امامزاده زید و قصر حمید در بم، نامه هنر، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۹۴، ۱۵۹-۱۷۶. [http://aup.journal.art.ac.ir/article\\_16\\_1.html](http://aup.journal.art.ac.ir/article_16_1.html)
۳۲. لک، آزاده. (۱۳۹۴)، زلزله بم و درک معنایی ساکنان محلات مسکونی از اختلال در دل‌بستگی به مکان، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۲، زمستان، ۱۷-۳۰. [http://jhre.ir/browse.php?a\\_id=861&sid=1&slc\\_lang=fa](http://jhre.ir/browse.php?a_id=861&sid=1&slc_lang=fa)
۳۳. محمدزاده، رضیه. (۱۳۹۱)، مدیریت ایمن‌سازی کالبدی بافت‌های تاریخی در برابر زلزله: مورد مطالعاتی: بافت تاریخی قزوین، صفه، سال بیست‌ودوم، شماره ۵۹، زمستان ۱۳۹۱، ۷۵-۹۴. <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1720022&l=fa>
۳۴. مدقالچی، لیلا؛ زرکش، افسانه. (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل آثار فرهنگی و اجتماعی سیستم‌های به‌کار رفته در اسکان موقت پس از سوانح طبیعی در مناطق روستایی و راهکار بهبود کیفی و ساختاری آن‌ها، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی مسکن و بافت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۳۵. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. (۱۳۶۶)، سرپناه پس از سانحه، رهنمودهایی در زمینه‌ی امداد، ساختمان و مسکن، چاپ اول، نشریه شماره ۷۷، مهر ۶۶.
۳۶. مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران. (۱۳۷۲)، نقش الگو، فرم و روستایی زلزله‌زده لرستان پس از زلزله‌ی فروردین ماه ۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۷. خورشیدیان، عبدالمجید. (۱۳۹۰)، سرپناه موقت پس از سانحه: بررسی سیاست‌های تأمین مسکن موقت پس از زلزله‌ی ۱۳۸۵ لرستان، صفه، سال بیست و یکم، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۰، ۱۱۱-۱۲۴. <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=160332>
۳۸. درستیان، الهام (۱۳۹۱)، انواع مداخلات روان‌شناختی پس از وقوع زلزله، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره‌ی دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، ۳۲۲-۳۳۰. <http://tdmmo.tehran.ir/Portals/0/Document/1392/no%206.pdf>
۳۹. دهقان حسین‌آبادی، صدرا. (۱۳۹۴)، امکان‌سنجی ایجاد فضاهای چندعملکردی با کاربری اسکان موقت در فضاهای سبز حاشیه‌ای زاینده‌رود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴۰. زرگر و همکاران. (۱۳۶۹)، اسکان موقت یک گام به پیش: گزارشی از مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل، دفتر فنی آموزشی و پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، دفتر سوم، زمستان ۶۹، تهران.
۴۱. زینان، بهاره. (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های موقت در شهر تهران پس از وقوع زلزله احتمالی: منطقه ۱۰ تهران، محله بریانک-هفت چنار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴۲. ساناکومو، تاکاما. (۱۳۷۲)، خسارات ناشی از زلزله: پیش‌بینی خسارات و اقدامات مقابله‌ای در توکیو، مجموعه مقالات سوانح، پیشگیری و امداد، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
۴۳. سعیدی، بهنام؛ بی‌بی الهام فخری بافقی؛ حسن آزاده؛ بهمن احمدی توانا؛ علی بختیاری، رسول حاج احمدی. (۱۳۹۴)، چارچوب سندای برای کاهش خطرپذیری سوانح ۲۰۱۵-۲۰۳۰، کتاب پدیده، تهران.
۴۴. شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی فاجعه: تجربه‌ی زلزله‌ی رودبار و منجیل، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۴۵. شمالی، نرگس. (۱۳۹۲)، روش‌های اسکان موقت با تأکید بر استقرار و مکان‌یابی پس از سوانح طبیعی (زلزله و سیل) شهر گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۴۶. عطائی، رقیه؛ پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴)، تأثیر مولفه‌های هویت کالبدی و فعالیتی بافت‌های تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی، مدیریت شهری، شماره ۴۱، زمستان ۹۴، ۲۲۹-۲۴۶. <http://ecc.isc.gov.ir/showjournal/864/84731/1120995>
۴۷. علیزمانی، محمد (۱۳۷۹)، بازخوانی بازسازی زلزله بوئین زهرا (۱۳۴۱)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۴۸. عنبری، موسی (۱۳۸۳)، طرح پژوهشی بررسی عملکرد اجتماع سازمانی امداد و نجات کشور در مدیریت فاجعه بم، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران، جلد دوم: پیمایش (ارزیابی مردم)، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.



51. Corsellis, T. Vitale, A. (2005). Transitional settlement displaced populations in Emergencies, Good practice Review, RRN Overseas Development Institute, UK.
52. Doralti, N. (2005). Revitalizing historic urban quarters: a model for determining the most relevant strategic approach. European planning studies. Vol.13. no.5. p.p:749
53. Habitat International Coalition (HIC). (1996). Still Waiting, housing Rights Violations in a land of plenty: the Kobe earthquake and Beyond. Mexico.
54. Hosseini, S. M. A. (2016), Sustainability in the Post-Disaster Temporary Housing Management for Urban Areas, doctoral thesis, universitat politecnica de catalunya.
49. Aquilino, M. J. (Ed.). (2011). Beyond shelter Architecture for Crisis. London: Thames & Hudson.
50. Cassidy, J. (2007). Strategic planning for post-disaster temporary housing, Disasters, No. 4, Vol. 31, pp. 435-458.
47. نادرزاده، احمد. (۱۳۷۴)، زلزله ۱۷ ژانویه ۱۹۹۵ کوبه، ژاپن و درس‌هایی برای ایران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، پیام گلدان، تهران.
48. هوشیار، سارا. (۱۳۸۷)، ارزیابی بازسازی اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه بازسازی پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.